

علم أصول الفقه

٢٩-١١-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٥٠

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

سنت در نگاه شیعه

- در نگاه شیعه سنت منحصر در قول و فعل و تقریر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیست و شامل قول و فعل و تقریر اهل بیت علیهم السلام نیز می‌شود. در مقابل اهل سنت، سنت را به گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله محدود می‌کنند و این یکی از نقاط افتراق دیدگاه شیعه با دیدگاه اهل سنت است.

سنت در نگاه شیعه

- نکته‌ای که باعث توسعه‌ی سنت در دیدگاه شیعه می‌شود، عصمت معصومان علیهم السلام است. همان عصمتی که باعث می‌شود ما از سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان منبع دین بهره بگیریم، موجب تمسک ما به اهل بیت علیهم السلام نیز می‌گردد. به عبارت دیگر محور بحث ما در حوزه‌ی سنت، سنت معصومان علیهم السلام است. هر کس مصداق این مفهوم (معصوم) باشد، سنتش (قول، فعل و تقریرش) به عنوان یک منبع برای ما پذیرفته می‌شود.

عصمت

- آنچه در اینجا ابتدائاً باید مورد بحث قرار دهیم، اثبات عصمت معصومان علیهم السلام است. از آنجا که ادله‌ی عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و به طور کلی پیامبران با دلیل عصمت ائمه علیهم السلام اندک تفاوتی دارد، ما یک بار این بحث را در مورد نبی خاتم صلی الله علیه و آله مطرح و سپس در مورد ائمه علیهم السلام پی می‌گیریم.

عصمت

- قبلاً در مورد عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کردیم که تمام مسلمانان حضرت را در دریافت وحی و رساندن آن معصوم می دانند و این مقدار قدر متقین عصمت آن حضرت صلی الله علیه و آله می باشد. یعنی تمام کسانی که به پیامبری آن حضرت صلی الله علیه و آله اعتقاد دارند در این نقطه مشترکند که حضرت در تلقی و ابلاغ وحی نه گرفتار عصیان می شدند و نه گرفتار خطا و نسیان.

عصمت

- اما در حوزه‌ی رفتارهای عادی حضرت (چه قبل از بعثت و چه بعد از آن) بین مسلمانان اختلاف است. برخی فقط عصمت حضرت صلی الله علیه و آله را در تلقی و ابلاغ وحی می‌دانند و فراتر از آن دیگر عصمتی برای حضرتش قایل نیستند.

عصمت

- برخی دیگر بر این اعتقادند که اضافه بر عصمت در تلقی و ابلاغ وحی، حضرت بعد از بعثت از عصیان معصوم بوده است. یعنی عصمت از عصیان را در زمان بعد از بعثت می‌پذیرند، اما نسبت به قبل از بعثت حضرت را مبرای از عصیان نمی‌دانند.

- عدهای دیگر حضرت را چه قبل از بعثت و چه بعد از آن معصوم از عصیان می دانند.
- و بالاترین مرتبه از اعتقاد در مورد عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، قول مشهور علمای شیعه است که حضرت صلی الله علیه و آله را اضافه بر عصمت در تلقی و ابلاغ وحی، معصوم از عصیان، خطا و نسیان می شمارد.

- این که گفته می شود مشهور علمای شیعه چنین اعتقادی دارند، به دلیل موارد بسیار نادری است که در تاریخ وجود داشته است. به طور مثال مرحوم صدوق مسأله‌ی سهو النبی را می پذیرد.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- برای اثبات عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در مرتبه‌ای که عرض شد - یعنی عصمت از خطا و عصیان و نسیان چه قبل از بعثت و چه بعد از آن - راه‌هایی متصور است.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- یک راه، راه تقلی یعنی تمسک به آیات و روایات می‌باشد.
- توجه داریم که تمسک به آیات منوط به این است که حجیت آیات قرآن را در مرتبه‌ی قبل اثبات کرده باشیم. بنابراین بحث‌هایی همچون و حیانی بودن آیات قرآن، عدم تحریف آنها، عصمت وحی پیامبر در تلقی و ابلاغ و... بحث‌هایی هستند که باید مقدم بر تمسک به آیات مورد مذاقه قرار گیرد.
- زیرا خود حجیت قرآن با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در ارتباط است.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- با این وصف اگر توانستیم این امور را و از جمله عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله را در تلقی و ابلاغ وحی از طریق عقلی ثابت نماییم، می‌توانیم به استناد آیات - اگر آیه‌ای در زمینه‌ی عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته باشد - عصمت حضرت را نسبت به عصیان و یا نسیان ثابت نماییم.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- اما در تمسک به روایات باید بگوییم: مسلماً نمی‌توانیم برای اثبات حجیت قول یا فعل معصوم علیه السلام به قول یا فعل خودش استدلال کنیم؛ زیرا این نحو استدلال دور است و باطل.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- ولی می‌توانیم به استناد قول یا فعل معصومی که عصمت او را از طریق عقلی (یا به استناد آیه‌ی قرآن با توضیحی که گذشت) اثبات کردیم، قول یا فعل معصوم یا معصومان دیگر را ثابت کنیم. بنابراین ما می‌توانیم بعد از اثبات عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات عصمت فاطمه زهرا علیها السلام یا عصمت دیگر ائمه علیهم السلام به قول آن حضرت استناد نماییم.

نگاهی گذرا به راه‌های اثبات عصمت

- با این توضیحات معلوم می‌گردد که عمدتاً بحث‌هایی که در باب عصمت - به خصوص عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله - مطرح شده، بحث‌های عقلی و بحث‌های قرآنی است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله همانند دلیل عقلی بر عصمت وحی به دو شکل است. یکی از آنها، حاصل بیان متکلمان و دیگری حاصل بیان فلاسفه می باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- أ. دلیل متکلمان: قبلاً دیدیم چگونه متکلمان برای اثبات عصمت وحی و عصمت نبی در تلقی و ابلاغ از دلیل حکمت بهره بردند. آن دلیل همان طور که گذشت، بیش از عصمت پیامبر را در تلقی و ابلاغ وحی اثبات نمی‌کرد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اما وقتی به مجموع بیانات و ادله‌ی متکلمان در این زمینه رجوع می‌کنیم، می‌توانیم در یک جمع بندی به استفاده‌ی آنها از این دلیل برای اثبات عصمت پیامبر از عصیان و خطا و نسیان دست یابیم.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- یعنی متکلمان نه تنها از دلیل حکمت برای اثبات عصمت پیامبر در تلقی و ابلاغ وحی استفاده کرده‌اند، بلکه از این دلیل برای اثبات عصمت او در تمامی مراتب بهره برده‌اند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- بیان آنها در یک جمع بندی کلی نیازمند مقدمه‌ای است که در ذیل می‌آوریم و قبل از آن بر این نکته تأکید می‌ورزیم که آنچه در این زمینه بیان می‌کنیم، حاصل کلام متکلمان می‌باشد و در هیچ کتاب کلامی، حتی آخرین کتاب‌های موجود در زمینه‌ی عصمت، مطلب به آن گونه که توضیح می‌دهیم، بیان نشده است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- آن مقدمه این است:
- کسی که قرار است مأموریت رساندن پیام الهی را بر عهده بگیرد، باید در نظر مردم به گونه‌ای باشد که آنها بتوانند به او اعتماد کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- پیامبر ادعا می‌کند که مطالبی از سوی خداوند متعال به او وحی می‌شود. ممکن است بخشی از آنچه ادعا می‌کند، توسط عقل بشری یا به قوه‌ی حس (و به طور کلی علوم بشری) قابل ادراک باشد، اما مسلماً بخشی از سخنان او برای یک انسان عادی قابل درک نیست. مردم نه می‌توانند ادعای او را در این موارد اثبات کنند و نه می‌توانند آن را نفی نمایند. چه اگر قادر به اثبات یا نفی ادعای او بودند، بین او که پیامبر است و دیگرانی که از وحی بی‌بهره‌اند، تفاوتی وجود نداشت.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- تنها چیزی که باعث می شود مردم ادعای پیامبر خویش را بپذیرند و آن را سخن خداوند تلقی کنند، وثوق و اعتمادی است که به او دارند. اگر مردم به پیامبر اعتماد نداشته باشند، حتی با فرض صحت ادعایش، به سخنانش گوش نمی دهند و به دستوراتش عمل نمی کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- بنابراین حتی اگر بپذیریم که خداوند می‌تواند به قدرت قاهر خویش و معجزه‌وار، یک انسان مشهور به فسق و فجور را در تلقی و ابلاغ وحی معصوم قرار دهد و بپذیریم که این انسان با عصمت اکتسابی خویش در زمینه‌ی تلقی و ابلاغ وحی می‌تواند مطالب وحی را همان گونه که هست به مردم ابلاغ کند، اما مسلماً نمی‌توان پذیرفت که او در انجام مأموریت خویش موفق است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- چرا که او فقط در تلقی و ابلاغ معصوم است و در سایر امور گرفتار عصیان و نسیان و خطا می‌شود. مردم به چنین کسی اعتماد نمی‌کنند، به سخنان او گوش جان نمی‌سپارند و حتی ممکن است او را مورد طعنه قرار دهند که «خداوند را با تو چه کار»، «فقط مانده بود که خداوند تو را به پیامبری خویش برگزیند».

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- مسلماً برای این که رسالت پیامبر تحقق یابد، حکمت خداوند اقتضا می‌کند کسی به پیامبری مبعوث شود که مورد اعتماد مردم باشد. از سوی دیگر چون او ادعایی را مطرح می‌کند که لااقل بخشی از آن، قابل اثبات و نفی برای مردم نیست، این سطح از اعتماد باید در مرتبه‌ی بالایی قرار داشته باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- توضیح آن که اعتماد و وثوق سطوح متفاوتی دارد و مردم در امور روزمره‌ی خویش و به تناسب نیازهایشان به افراد مختلف مراجعه می‌کنند که مورد اعتماد آنها است. مثلاً برای تعمیر دستگاه خویش به افرادی مراجعه می‌کنند که از یک سو متخصص و از سوی دیگر در قبال کار خویش متعهدند. آنها رجوع به فردی را که تخصص ندارد یا متعهد نیست (یعنی موجب تخریب بیشتر دستگاهشان می‌شود)، مذموم می‌شمارند و مراجعه کننده را تقبیح می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر تا تخصص و تعهد تعمیر کننده را احراز نکنند به او مراجعه نمی‌نمایند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- عقلا در این موارد بیش از این سطح از اعتماد را لازم نمی‌دانند، به خصوص با توجه به این که تشخیص میزان تخصص و تعهد وی به راحتی ممکن است. اما سطح و ثوقی که عقلا نسبت به پیامبر توقع دارند، خیلی با سطح و ثوق به حتی متخصصان عادی متفاوت است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- همچنان که سطح وثوق آنان به علمای دین نیز با سطح اعتماد به علمای طب، یا علمای فیزیک یا... تفاوت دارد. آن اعتمادی را که نسبت به پیامبر (یا حتی نسبت به علمای دین) لازم می‌بینند، در موارد دیگر لازم نمی‌دانند. اما واقعاً چه موقع عقلاً به پیامبر اعتماد می‌کنند؟

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- عقلا وقتی به پیامبر اعتماد می‌کنند که او را در زندگی عادی - یعنی در اموری که می‌توانند تشخیص دهند - عاری از خطا و عصیان و نسیان بینند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- وقتی کسی در زندگی روزمره‌ی خویش که از دسترس عقلا خارج نیست و برای آنها قابل تشخیص است، دچار عصیان و خطا یا لااقل دچار نسیان شود، چگونه می‌تواند اعتماد مردم را در صحت ادعاهایی که از دسترس عقلا خارج است، جلب نماید؟ وقتی سخنی را که می‌شنود، در جای دیگر به خطا یا عمد اشتباه نقل می‌کند و مردم اشتباه او را مشاهده می‌کنند، چگونه می‌تواند صحت ادعای خویش را در مواردی که مردم نمی‌توانند تشخیص دهند، ثابت کند؟ از کجا معلوم که در این موارد نیز دچار خطا و نسیان نشده باشد؟

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر، عقلا بین عصمت در تلقی و ابلاغ وحی و عصمت در سایر رفتارها و گفتارها تلازم می بینند. اگر پیامبر در سایر رفتارها معصوم نباشد، او را در تلقی و ابلاغ وحی نیز معصوم نمی دانند و این تلازم عقلایی با مراجعه به وجدان عقلایی، واضح و روشن است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- با توجه به این مقدمه، از آنجا که خداوند تنها از راه ارسال رسل یعنی از طریق افراد مبرا از عصیان و خطا و نسیان می‌تواند پیام خویش را به مردم برساند و حقایق را برای آنها بیان نماید، پس حکمتش اقتضا می‌کند که پیامبرش نه تنها در تلقی و ابلاغ وحی، بلکه در سایر امور و شؤون زندگی، معصوم از عصیان، خطا و نسیان باشد تا با جلب اعتماد مردم به انجام مسئولیت عظیم رسالت پردازد. کسی که ادعا کند پیامبر است و مردم را به خواندن نماز و گرفتن روزه و... دعوت کند و خودش نماز نخواند، روزه نگیرد و...، مورد سرزنش مردم قرار می‌گیرد و نه تنها به سخنانش گوش نمی‌دهند، بلکه ادعای او را تخطئه می‌کنند. یقیناً برگزیدن چنین فردی به پیامبری امری حکیمانه نیست و از استحکام و استواری برخوردار نمی‌باشد.